

پرتو ویژه کنگره سوم حزب

سردبیر: رحمان حسین زاده
husienzade_r@yahoo.com

جمعه ها منتشر می شود

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳ فروردین ۱۳۸۸ - ۲۳ مارس ۲۰۰۹



مصاحبه پرتو با دبیر اجرایی حزب ، خالد حاج محمدی، در مورد برگزاری کنگره سوم حزب

پرتو : به عنوان دبیر اجرایی حزب در راس جمع اجرایی دفتر سیاسی تدارک سیاسی و اجرایی کنگره سوم را بر عهده داشتید. پروسه تدارک چگونه پیش رفت؟

خالد حاج محمدی: دفتر سیاسی حزب کل تدارک سیاسی و اجرایی حزب را به جمع اجرایی دفتر سیاسی و رئیس دفتر سیاسی سپرده بود. تدارک سیاسی هر کنگره و مجمع بزرگ حزبی بخش جدی و تعیین کننده کار مجمع است. برای حزبی کمونیستی چون حزب ما که بخش بسیار جدی ستون کادری و فعالینش در جامعه ایران و زیر یک حاکمیت جنایتکار زندگی میکنند، تدارک کنگره پیچیدگی ها و حساسیت خاص خود را دارد. مهمترین بخش این کار به چگونگی دخالتگری تشکیلات حزب و ستون کادری آن در ایران و چگونگی نمایندگی کردن آن در کنگره است. همزمان تدارک سیاسی کنگره و آمادگی و بحث و جدل بر سر مهمترین مسائلی که در مقابل مردم ایران، طبقه کارگر و حزب ما قرار گرفته است، موقعیت و موانع پیشروی، راه حلها و تاکتیکهایی که حزب باید انتخاب کند، نقشه ای که بر مبنای توازن

صفحه ۴

پیام کنگره سوم حزب حکمتیست به رفیق ریوار احمد

صفحه ۵

پیام کنگره سوم حزب حکمتیست به کادرها، اعضا و فعالین حزب در ایران

صفحه ۶

(مصاحبه پرتو با تعدادی از نمایندگان کنگره) ژیلا آوانسیان - یاسین حسینی - سعیدآرمان اسعد کوشا - آرش حسینی

پرتو :

چه جنبه ای از برگزاری کنگره توجه شما را جلب کرد؟ چه تفاوتهای را با کنگره های قبلی مشاهده کردید؟

به نظر شما در راستای مباحث کنگره سوم حزب، رهبری حزب چه اولویتهایی را باید در دستور بگذارد؟

صفحه ۶

ساعات پخش تلویزیون پرتو
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران
تکرار برنامه ۲۰:۳۰ تا ۳:۳۰ نیمه شب

پرتو نشریه مذهب کمونیست کارگری حکمتیست
هر هفته جمعه ها منتشر می شود
پرتو را بفروشد و به دوستان خود معرفی کنید

زنده باد سوسیالیسم

سخنرانی کورش مدرسی در کنگره سوم حزب

رفقا

اجازه بدهید که من هم به نوبه خود به همه نمایندگان و میهمانان کنگره خوش آمد بگویم.

رفیق فاتح در سخنرانی افتتاحیه اش آنچه که لازم بود را گفت و چیز زیادی برای گفتن برای من باقی نگذاشت. با این حال میخواستم اگر اجازه بدهید نظرم را در مورد مسائلی که در این کنگره با آن روبرو هستیم را با شما در میان بگذارم.

ببینید، کمونیست های ایران در موقعیت بسیار ویژه و ممتازی در مقایسه با همه کمونیست های دیگر جهان قرار دارند. موقعیت امروز کمونیست ها در ایران با موقعیت کمونیست ها در اروپا و آمریکا در عراق و ترکیه و چین و ژاپن و غیره کاملاً متفاوت است. کمونیسم هیچ جای دنیا موقعیت ویژه و ممتاز امروز کمونیسم ایران را ندارد. این موقعیت تماماً هنر ما نیست. این موقعیت ناشی از "خاصیت ایرانی"، خواص قومی و غیره ما نیست. ما محصول تاریخ مان هستیم.

ایران کشوری است که در فاصله نسبتاً کوتاهی از ۱۹۰۷ تا امروز سه انقلاب توده ای بورژوازی در آن اتفاق افتاده است. سه بار توده مردم به حرکت در آمده اند و دولت، رژیم و نظام را تغییر داده اند. دو انقلاب مشروطه و یک انقلاب ۱۳۵۷.

انقلاب کودتا نیست، انقلاب جنگ رهایی بخش ملی و جنبش استقلال نیست. انقلاب قیام علیه دولت خودی، قیام علیه نظام موجود است. انقلاب احساس "حق بجانبی" احساس صاحب حق بودن و آنچه در انگلیسی به آن empowerment یا قدرت یابی میگویند بوجود می آورد، انقلاب به انسان شخصیت میدهد. یک انقلاب در یک جامعه در طی یک قرن کافی است تا روانشناسی اجتماعی آن جامعه را تغییر دهد. یکی از ابعاد این تغییر این است که در آن جامعه قیام برای تغییر دولت و قیام علیه نظام، در ذهن توده مردم از هر طبقه و قشری، ممکن و موجه است. انقلاب رابطه دولت و توده مردم را برای همیشه تغییر میدهد. این ویژگی تاریخی است که بعد اصلی کاراکتر "ایرانی" را از سایر کشور های همسایه متفاوت میکند. همانطور که کاراکتر فرانسوی از

→ کاراکتر آلمانی متفاوت است. روانشناسی دولت پرست و دولت ترس آلمانی - سوندی را با روانشناسی دولت ستیز و قدرت حاکمه ستیز فرانسوی شهری مقایسه کنید تا متوجه تفاوتی که تاریخ انقلابی از خود بجای میگذارد بشوید. در فرانسه در طی چند قرن اساساً یک انقلاب اتفاق افتاد در ایران در نصف همان مدت سه انقلاب رویداده است.

این انقلابات در ذهن توده مردم ایران، از هر طبقه‌ای، قیام برای سرنگونی سیستم حاکم را امری شدنی، امری تجربه شده و ممکن میکند. جامعه ایران بیش از هر جای دیگری در جهان ذهنیت انقلاب کردن و قیام کردن علیه سیستم موجود را با خود حمل میکند. به این اعتبار جامعه ایران در هر تند پیچ اجتماعی و سیاسی تا پای قیام یا انقلاب می‌رود.

مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها همیشه آروز داشته‌اند که در چنین جامعه‌ای کار و فعالیت کنند. موقعیت تاریخی جامعه ایران کمونیسم ایران را روی یک سرازیری قرار میدهد که برای دیگر کمونیست‌های جهان یک سربالائی تند است. در ایران لازم نیست به کسی ثابت کنید که میشود انقلاب کرد و تغییر نظام امری ممکن است. باز کردن ذهن یک سوندی، آلمانی یا انگلیسی و مصری به این امکان کار بسیار مشکلی است و فعالیت طولانی و متمرکزی را طلب میکند. بگذریم از جایی مانند کانادا که اصولاً انقلاب کردن جزو مفاهیم و داده‌های اجتماعی نیست. هر کمونیستی که این ویژگی جامعه ایران را بشناسد آروز خواهد کرد که بجای ما میبود و با چنین تناسب قوای روانی در جامعه روبرو بود. ما این شانس را داریم که در کشوری فعالیت میکنیم که در ذهن آحاد آن انقلاب و انقلاب کردن پدیده زنده است. قیام کردن علیه حاکمیت پدیده ممکن و شدنی است. هر کودکی که چشم به دنیای پیرامون خود باز میکند این مفهوم و این قضاوت، مانند سایر مفاهیم و قضاوت‌های اجتماعی به ارث میرسد.

نکته دومی که باید به آن توجه کرد این است که ما در جامعه‌ای

فعالیت میکنیم که چپ بودن و کمونیست بودن در آن اعتبار است. آدم چپ و کمونیست احترامش از آدم دست راستی بیشتر است. در آمریکا و انگلیس و اکثر کشورهای دنیا اینطور نیست. در این کشورها بنا به تعریف چپ موجه تر از راست نیست و احترامش از راست بیشتر نیست. در ایران حتی غالباً راست هم برای قبولاندن خود ناچار میشود از ایده‌های چپ بعنوان گریم سیاسی استفاده کند. این هم شانس دوم ما کمونیست‌های ایران است. این هم جزو آن شرایطی است که هر کمونیست و مارکسیستی آرزو میکرد و میکند که در آن فعالیت کند. در مقایسه با

بخش مهمی از پیش شرط‌های ذهنی انقلاب سوسیالیستی در ایران آن فراهم شده است. این شانس ماست. و این واقعیت است که دریچه قدرت و انقلاب سوسیالیستی را بر روی ما باز نگاه داشته است. اگر زمانی میگفتند آلمان یا روسیه میتوانند مهد انقلاب آتی سوسیالیستی باشند، امروز باید گفت ایران میتواند مهد انقلاب سوسیالیستی باشد. ما میتوانیم به این محنت سرمایه داری خاتمه دهیم. میشود در ایران، در طول حیات مان بر تاریخ ستم کشی انسان نقطه آخری گذاشت. میتوان تاریخ جدید جامعه‌ای فارغ از استثمار، جامعه آزاد و برابر را شروع کرد.

برای آنست که به مردم و بویژه به طبقه کارگر و مردم زحمتکش به قبولانند که باعث این وضع نه در ماهیت سرمایه داری بلکه در سوء مدیریت، در حرص و آز و سفته بازی این یا آن بخش از سرمایه داری است. و درنتیجه به طبقه کارگر به قبولانند که راه حل نه در برچیدن نظام سرمایه داری و استقرار نظام سوسیالیستی بلکه تصحیح و اعمال کنترل بیشتر بر سرمایه داری نهفته است.

مارکس توضیح میدهد که راه خروج سرمایه داری از بحران، باز سازی خود بر اساس بالابردن حجم سود از طریق پائین آوردن معیشت طبقه کارگر به زیر حداقل، نابودی بخش عظیمی از ثروت جامعه برای خلاصی از دست "سرمایه زیادی"، بیکاری همه کارگرانی که با این "سرمایه های زیادی" کار میکنند، بالابردن ترکیب ارگانیک سرمایه و در نتیجه کاهش تعداد کارگران مورد نیاز سرمایه موجود، گسترش عظیم در ابعاد بیکاری، تمرکز بیشتر سرمایه‌ها در دست تعداد هرچه کوچکتری از سرمایه داران و غیره است. این راه بیش از هر چیز به معنی بالابردن سود سرمایه با تعرض به معیشت کارگران و مردم زحمتکش، با افزایش شدت استثمار و از قبل عرق و خون کارگر و خانواده کارگری است. مارکس نشان میدهد که سرمایه داری بطور متوالی وارد این دوره‌های بحران شده و با همین مکانیسم از آن خارج شده و دور جدیدی از رونق سرمایه داری را تأمین کرده است. این بار هم سرمایه داری از اوپاما تا احمدی نژاد و از واتیکان تا قم دارند همین کار را میکنند. دارند بحران را منتها بر گرده کارگر در دوره حاضر، بلکه از ←

بحران سرمایه داری بیش از هر زمان دیگری عمق ضد انسانی بودن کل فلسفه و محرکه تولید سرمایه داری را در مقابل جامعه و بویژه در مقابل طبقه کارگر قرار میدهد. بحران سرمایه داری بیش از همیشه کل بورژوازی از بورژوازی بزرگ تا خرده بورژوا را در پی سود آور کردن مجدد سرمایه در یک سنگر واحد در مقابل طبقه کارگر قرار میدهد. و همین واقعیت راه دیگر فائق آمدن بر این بحران یعنی برچیدن کل نظام سرمای داری را قابل فهم تر و ممکن تر میکند.

این موقعیتی است که ما در آن قرار گرفته ایم. این موقعیتی است که کمونیسم ایران در آن قرار گرفته است. این مصافی است که ما را بخود می‌بلند. واقعیت دیگر این است که کنگره مادر شرایطی برگزار میشود که دنیا هم در شرایط کم نظیر و تاریخی قرار گرفته است که رفیق وارد یکی عمیق ترین بحران‌های خود شده است بطوری که به قول یکی از رفقا راست ترین تورزیسم و دولت مداران سرمایه داری هم در صف اول ارکستر منقذین سرمایه داری ویولون بدست گرفته‌اند. امروز در دریف

کمونیست‌های سایر کشورها ما کمونیست‌های خوش شانس تری هستیم. با توجه به این دو فاکتور من گمان نمیکند در طول زندگی من در آلمان و انگلیس و فرانسه و غیره انقلاب سوسیالیستی خواهد شد، اما به عکس، فکر میکنم انجام انقلاب سوسیالیستی در ایران کاملاً ممکن است. در سایر کشورها پیش شرط‌های ذهنی انقلاب سوسیالیستی آماده نیست و این پیش شرط‌ها که یک شبه آماده نمیشود. در ایران به یمن سه انقلاب و به یمن نقشی که کمونیسم در این سه انقلاب بازی کرده است، در مقایسه با کشور‌های

آزادی، برابری، حکومت کارگری



طبقاتی- جنبشی با مسائل پایه ای تر ضرب شده و ابعاد بسیار عظیمی پیدا کرده است. سوالات بسیار مهمی تری را باید روشن پاسخ گفت. مثلا در حالی که همه میبینند که بار بحران دارد بر گرده طبقه کارگر خراب میشود چرا این طبقه آماده قیام نیست؟ چگونه میشود این قیام و این انقلاب را امروز سازمان داد؟ بطور مشخص مکانیسم به حرکت در آوردن طبقه کارگر چیست؟ آیا باید فعلا به روال ننوده ای ها مشاطه گر بورژوازی شویم تا بعدا رابطه کنکرت حزب ما با این طبقه چیست؟ چگونه میشود بحث حزب و قدرت سیاسی را به زندگی و مبارزه روزمره این طبقه گره زد؟ اینها لااقل از جمله سوالات من است و به این کنگره آمده ام تا جوابی برای آنها بگیرم. رفقا!

به این واقعیت هم باور دارم که اگر جایی در این دنیا هست که میشود این سوالات را طرح کرد و امید داشت که جوابی برای آنها میشود گرفت این حزب و این کنگره است. در نتیجه چشم همه ما به این کنگره است. اگر این کنگره به این سوالات و جواب های آنها معطوف شود اطمینان دارم که سال آیند با یک طبقه متشکل تر و آگاه تر و با یک حزب بزرگ تر و قدرمندتر در کنگره حاضر خواهیم شد.

برایتان آروزی موفقیت دارم.

موجود از اتحاد و پراکندگی در صفوف طبقه، با این حزب معین با توانائی ها و ناتوانی های معلوم، با این درجه سواد و بیسوادی، با این درجه خستگی و سرحالی و ... کل جامعه را از موقعیت کنونی به جایی که باید برود برساند. پاسخ به این سوالات حرف کلی، شعار و نصیحت برنمیدارد.

من در این کنگره شرکت میکنم چون این سوالات را دارم و میخواهم کنگره کمک کند که لااقل سرخ قرقره پاسخ به این سوالات را باز کنیم. این کنگره به نظر من باید کنگره طرح سوالات درست و تلاش برای پاسخ دادن به آنها باشد. این کنگره میتواند در مقابل این سوالات زانو بزند و بجای پاسخ دادن به آنها مانند احزاب دیگر مناسکی در مدح خود را اجرا کند و با نشئه ایدئولوژیک همه شاد و خندان و سرحال به خانه برگردیم و با حزبی باشیم که مثل همیشه خونسرد چشم در چشم مشکلات بدوزیم و برای آنها پاسخ پیدا کنیم.

من فکر میکنم این کنگره در تمایز از کنگره قبل در مقابل سوالات ماکرو تری قرار گرفته است. کنگره قبل ما در مقابل سوالات محدود تر در مورد تحولات سیاسی ایران قرار داشتیم. در این کنگره زمین و منظره کاملا متفاوتی را در مقابل ما قرار داده است که ما را نیازمند دادن پاسخ به سوالات محدود مان در چارچوب مسئل عمومی تری میکند. مسائل کنگره قبل امروز در ضرورت تعیین تکلیف

باخته اید، اگر حزب ناسیونالیسم کرد باشید امروز چندان چیزی برای خوش بینی ندارید، اما اگر حزب کمونیست طبقه کارگر ایران باشید آنوقت نمیتوانید این موقعیت را تشخیص ندهید، از آن به هیجان نیائید و سوالات مربوط به این دوران را به سوالات حزب تان تبدیل نکنید.

ما کمونیست ها ایران، اگر واقعا کمونیست پرولتری، باشیم باید تشخیص بدهیم که در یکی از بهترین و مناسب ترین موقعیت هائی که یک کمونیست میتواند قرار بگیرد قرار گرفته ایم. و بالاخره حزب حکمتیست هم حزب خاصی است. ما حزبی هستیم که از دوره گذشته سربلند و با نفوذ بیشتر خارج شدیم.

صرفا حزب ضد رژیم و حزب منقذ اپوزیسیون نبودیم. حزب برجسته کردن منفعت پرولتاریا، حزب منقذ باور های موجود در جامعه، حزب سازمان دادن انقلاب سوسیالیستی، حزب نشان دادن راه سرنگون کردن جمهوری اسلامی، بوده ایم. حزبی هستیم که با یک خط و یک توانائی کادری متمایز شناخته شده ایم.

به نظر من این موقعیتی است که ما در آن قرار گرفته ایم. این موقعیت یک میلیون سوال در مقابل ما و در مقابل این کنگره قرار داده است. سوالاتی که با شعار و یا با حرف های حکیمانه نمیتوان گریبان خود را از آنها رها کرد. این حزب باید نشان بدهد که قدم به قدم چگونه میتواند جنبشی را ساخت، حزبی را بوجود آورد که از پس دادن پاسخ عملی به موقعیت امروز بر آید. حزبی باشیم که اگر در انتهای این بحران نتوانست انقلاب سوسیالیستی را سازمان دهد آنچنان آگاهی و تشکل سوسیالیستی را در طبقه کارگر متبلور کرده باشد که واقعا هر بحران انقلابی در آینده ایران ضرورتا یک رنگ قوی سوسیالیستی داشته باشد. حزبی که تضمین کند طبقه کارگر دوباره مثل انقلاب ۵۷ و یا همین دوره اخیر جنبش سرنگونی نا آماده وارد آن دوران نمیشود.

این کنگره باید به این سوال معطوف باشد که ما چگونه میتوانیم جنبش مان با این درجه

قبل معیشت چندیدن نسل آینده طبقه ما پشت سر میگذارند. بحران سرمایه داری بیش از هر زمان دیگری عمق ضد انسانی بودن کل فلسفه و محرکه تولید سرمایه داری را در مقابل جامعه و بویژه در مقابل طبقه کارگر قرار میدهد. بحران سرمایه داری بیش از همیشه کل بورژوازی از بورژوازی بزرگ تا خرده بورژوا را در پی سود آور کردن مجدد سرمایه در یک سنگر واحد در مقابل طبقه کارگر قرار میدهد. و همین واقعیت راه دیگر فائق آمدن بر این بحران یعنی برچیدن کل نظام سرمای داری را قابل فهم تر و ممکن تر میکند. کل ارکستر منتقدین بورژوائی سرمایه داری در این بحران به حرکت در آمده اند تا مانع از این "قابل فهم" شدن و "ممکن تر" شدن ایده سرنگونی سرمایه داری توسط طبقه کارگر شوند.

جامعه در چنین بحران هائی در مقابل یک سوال اساسی و پایه ای قرار میگیرد. جواب به این سوال تنها یکی از دو جواب است. جواب سومی وجود ندارد. جواب در چارچوب تصحیح عملکرد سرمایه و جواب در چارچوب برچیدن سرمایه داری. جواب بورژوائی و جواب پرولتری. و این موقعیت برای کمونیست هائی که این جواب پرولتری را دارند فرصتی است که بتوانند کل طبقه را حول جنبش خود پلاریزه و متحد کنند و یا لااقل آنچنان میخی از آگاهی طبقاتی را در جامعه بکوبند که هر تحول سیاسی آینده ایران شدید و عمیقا نفوذ آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر را منعکس کند. ما اگر نتوانیم بورژوازی را هم سرنگون کنیم میتوانیم تضمین کنیم که در بحران انقلابی آتی انقلاب سوسیالیستی بسیار سر راست تر و بلاواسطه تر و پیگیر تر انجام خواهد شد. این هم فرصت و وظیفه ای است که در مقابل ما قرار گرفته است. در نتیجه بحث من این است که حزب ما حزب کمونیست هائی است که در یکی از مناسب ترین مقاطع تاریخ که یک کمونیست میتواند آرزو داشته باشد قرار گرفته است. شما اگر حزب ضد رژیم باشید امروز روحیه تان را

زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

ادامه از ص ۱ مصاحبه پرتو با دبیر اجرایی حزب ، خالد حاج محمدی...

قوای موجود میان جمهوری اسلامی و مردم و موقعیت عینی که جنبش ما احراز کرده است، ریخته میشود و توافق طیفی از رهبران و دست اندرکاران اصلی حزب بر سر این مسائل، کار جدی رهبری حزب قبل از اجلاس کنگره است. توجه کنید که جمع شدن دهها نماینده از شورهای مختلف در یک مکان و به مدت سه روز اگر متکی به بحث و تبادل نظر و کار جدی از پیشی نباشد، نمیتواند کارساز باشد. در این زمینه ما در پلنومهای ۱۱ و ۱۲ حزب و همچنین در جلسات مختلف دفتر سیاسی و همزمان در سمینارهایی که حول مباحثی که از نظر رهبری حزب مهم بودند، کار کرده بودیم. خارج از این بخش زیادی از مباحثات چند سمینار مختلف و مباحثات رفقای مختلف و نمایندگان کنگره در نشریه ویژه تدارک کنگره درج شد. ما از این کانال نیز امکانی فراهم کردیم که مردم و جامعه و خصوصاً فعالین کمونیست و هر انسان شریفی که سرنوشت کمونیسم و کارگر را امر خود میدانند، از دریچه نشریه کنگره در جریان مباحث ما باشد و امکان دخالت در آنها را داشته باشد، که تجربه بسیار مثبت و ارزنده ای است. هم تدارک سیاسی کنگره و هم تدارک اجرایی آن، مهر موقعیت ویژه حزب حکمتیست را بر خود داشت. ما در هر دو پروسه با سوالات و مشکلاتی طرف بودیم که سالهای گذشته کمتر مطرح بودند و مثلاً در کنگره اول اصلاً مشکل ما نبودند. از چگونگی دخالت دادن اعضا و کادرهای حزب در ایران تا نمایندگی تشکیلات داخل، تا موقعیت تشکیلاتها و وزن و جایگاه کمیته های حزبی که مستقیم فعالیت در داخل ایران را به عهده دارند، مسائل پیچیده و جدی را مقابل ما قرار داده بود. خارج از این پیش برد کنگره حزب با این مسائل و با موقعیت کنونی جنبش ما و خود حزب در دل یک شرایط پلیسی و در دل جنگ و جدال جدی دوره اخیر

جمهوری اسلامی علیه جنبش ما، به امنیت تشکیلات و حزب و کنگره ویژگی خاصی میداد. توجه کنید اگر مانع پلیس سیاسی در کار نبود، کنگره حزب ما چند برابر نمایندگانی که حضور داشتند را از شهرهای مختلف ایران در خود جای میداد. حال با این وضعیت چگونه میتوانستیم این کنگره را به صورتی پیش ببریم که این تشکیلات بزرگ در کنگره نمایندگی شود، این یکی از جدیترین سنوالاتی بود در مقابل کل رهبری حزب و طبعاً در مقابل ما که تدارک کنگره را بر عهده داشتیم.

پرتو : تصویر شما از مباحث کنگره سوم چیست؟ آیا توانسته است جوابگوی انتظاراتی باشد که شما از کنگره داشتید؟

خالد حاج محمدی :

هر کنگره ای مهر دوره معینی را بر خود دارد و مسائلی در آن مهم خواهند شد که الزاماً در کنگره های قبل و بعدش چنین نبوده و نخواهد بود. کنگره سوم حزب نیز مهر همین دوره را بر خود داشت. مباحثات مهمی در این کنگره در دستور قرار گرفت، از موقعیتی که طبقه کارگر در آن است، بحران اقتصادی موجود و حمله عریان به سطح معیشت مردم محروم برای سود آوردن سرمایه، مشکلات و موانع عروج طبقه کارگر، مخاطراتی که فقر و بیکاری برای زندگی مردم به ارمغان می آورد، خطر انشقاقات بیشتر در صوف این طبقه تحت تاثیر فقر، بیکاری و گرسنگی، چگونگی ایجاد سدی در مقابل تعرض عریان بورژوازی به سطح معیشت طبقه کارگر و مردم محروم، راه تاثیر گذاری و دخالت جدی کمونیسم این طبقه و حزب سیاسی آن در این اوضاع، نگاهی به موقعیت جنبش کمونیستی، جایگاه آن، نقش و تاثیر پوپولیسم و ضد رژیم گرای صرف که زیر نام کمونیسم عمل میکند و نقش و تاثیر سنتهای آن، اهمیت نقد همه جانبه این "کمونیسم" و جایگاه

کمونیسم طبقه کارگر و دورنمای آن، موقعیت جمهوری اسلامی و توازن قوای میان مردم و این رژیم، موقعیت اپوزیسیون و صف بندیهای آن، جایگاه جنبش آزادیخواهان و برابری طلبانه مردم و جایگاه خود حزب حکمتیست، از جمله مسائلی بودند که در مباحثات مختلف کنگره مورد بحث قرار گرفت. به این اعتبار کنگره به مسائلی پرداخت که معضلات و سوالات واقعی هر جریان دخیل و مسئول در سیاست ایران است و باید به آنها جواب میداد. توقع من از کنگره این بود که ضمن پرداختن به مسائلی که اشاره کردم، خون تازه ای را در حزب به جریان اندازد و نمایندگان و کل حزب را روی غلتکی بیندازد و تاثیر گذاری و پیشروی در فضای سیاسی ایران را هموار کند و کل حزب را حول آن متحد کند. سوق پیدا کردن کنگره به این جهت در گرو این بود که خود صورت مسئله و مشکلات و موانع کار را به رسمیت بشناسد. حزب حکمتیست را نمیتوان با اژیتاسیون سطحی به جایی برد، باید حقایق را دید و به رسمیت شناخت، روندها را دید، موقعیت جنبش خود را با تمام کاستیها و مشکلاتش و نقطه قوتهایش ترسیم کرد، امکانش را نگاه کرد و راه در مقابل حزب گذاشت و توافق جمعی برای پیشبرد آن ایجاد کرد. به نظرم کنگره سوم به درصد بالایی این امر را تامین کرد.

پرتو : چه جنبه ای از کنگره توجه شما را جلب کرد؟ چه تفاوتی را با کنگره های قبلی مشاهده کردید؟

خالد حاج محمدی :

مباحثاتی که در پروسه دو سه ماهه گذشته در حزب در جریان بود و در کنگره نیز طبیعتاً بازتاب جدی داشت، سوالاتی که برای ما مطرح بود و رهبری حزب تلاش میکرد به آنها جواب دهد، سمینارهای کارگری، مباحثات سیاسی و... برای شخص من سطحی دیگر از بحث بودند که بشدت عمیق و همه جانبه بودند.

تلاشی که در سطوح مختلف رهبری حزب برای ایفای نقش جدی کمونیسم نوع ما در فضای سیاسی جامعه و حل موانع دخالتگری کمونیستی در این فضا و راه پیشروی شد، میتوانم بگویم با هر کاستی که داشته ایم، کالیبر بالایی از سطوح کادری حزب را نشان میداد که امیدوار کننده بود. مباحثات خود کنگره که نشانه درجه زیادی بلوغ سیاسی حزب و رهبری آن بود، سیمای دیگری از حزب و نقش رفقای مختلف رهبری حزب را نشان میداد که قابل توجه بود. دخالت نسلی جدید و جوان از کادرهای کمونیست و روشن بین هم قبل و هم حضور تعدادی از آنها در کنگره، به کنگره انرژی خاصی میداد. در عین حال و شاید مهمترین مسئله از نظر من موقعیت جدیدی بود که حزب در آن قرار داشت و این مؤلفه جدی در تاریخ این حزب و در موقعیت کنونی آن است که بر فضای کنگره بسیار تاثیر داشت. اجازه بدهید کمی این جنبه را روشنتر توضیح بدهم. کنگره حزب در دوره ای انجام گرفت که در جامعه ایران نسلی از کمونیستها زیر پرچم آزادی و برابری عروج کرده بودند. این نسل در دوره ای که جنبش علی العموم و همه با هم به خط پایان خود رسیده بود، که بخش عمده اقبال ناراضی که زیر پرچم سرنوشتی جمهوری اسلامی جمع شده بودند، در این دوره در سیاست ایران نقش فعالی نداشتند، دوره ای که طبقه کارگر و اقبال محروم تنها نیروی فعاله اعتراض در این جامعه بودند. در این دوره برای اولین بار در سه دهه گذشته این جنبش بر دوش نسل جوانش مستقل و با صف متمایز خود، عروج کرد و به خانه های مردم رفت و حول خودش هم سمپاتی وسیعی در میان مردم محروم جلب کرد و هم توجه و حساسیت دشمنان رنگارنگ از اپوزیسیون تا اپوزیسیون متوجه خود کرد. یک سال و نیم گذشته از کنگره دوم حزب تا

پیام کنگره سوم حزب حکمتیست به رفیق ریوار احمد

رفیق ریوار عزیز!

شرکت کنندگان کنگره سوم حزب حکمتیست، ضمن یادآوری حادثه تاسفباری که برای شما و رفیق پشتیبان ناصح اتفاق افتاد، در مورد سلامتی تان ابراز نگرانی عمیق کردند و صمیمانه برایتان آرزوی بهبود سریع داشتند. نقش برجسته شما در دو دهه تاریخ جنبش کمونیسم کارگری در شرایط دشوار جامعه عراق و تلاشهای بیوقفه شما در رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در طول سالیان متمادی، بر همه ما و بر جامعه روشن است. امیدواریم که با معالجات پیگیر و استراحت کافی بتوانید هرچه زودتر این نقش برجسته را در حیات سیاسی و حزبی جنبش ما از سر بگیرید.

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
مارس ۲۰۰۹

اند. جنگ و جدال علیه کمونیسم هم از طرف جمهوری اسلامی و هم از جانب بخش اعظم جریانات بورژوازی و انواع چپ و کمونیستهای بورژوازی، با زدن و مقابله با این حزب پیش برده میشود. همزمان ما در دوره حساسی هستیم، بورژوازی به صورت بسیار عریانی هستی کارگر و مردم محروم را جهت تامین سود نشانه گرفته است. این امر میتواند زندگی به مراتب اسفبارتری را برای طبقه کارگر و مردم محروم ایجاد کند. در دل این اوضاع و با موقعیتی که حزب در جامعه ای چون ایران دارد که کمونیسم در آن محبوب است، که انقلاب کردن و به زیر کشیدن دولت در ذهنیت مردم امری شدنی و ممکن است، کار سنگینی بر دوش ما میگذارد. ایجاد آمادگی خود حزب و تلاش برای آماده کردن طبقه کارگر و خصوصاً رهبران و فعالین آن برای مقابله با مصافهایی که در مقابل مردم است کار جدی ما است. این مهم از حزب حکمتیست ساخته است و دریچه ای روشن در این دنیای سیاه با وجود این حزب به عنوان بخش تحزب یافته طبقه کارگر، برای دخالتی جدی در فضای سیاسی جامعه ایران موجود است. باید پیش رفت و با جدیت و کاردانی نقشه هایمان را پیش ببریم. طبقه کارگر و حزب ما برای رهایی جامعه و مردم به جان آمده وقت زیادی ندارند.

پوپولیسم و ملی گرایی و ناسیونالیسم حاکم بر آنها و به تقابل این سیاست و سنتها با سنت کمونیسم طبقه کارگر تاکید شد و اهمیت نگاهی جدی و نقدي مارکسیستی و روشن به آن و نشان دادن خط متمایز ما در این دوره حیاتی است. تلاش برای تقویت اتحاد میان طبقه کارگر، تلاش برای عروج گرایش کمونیستی طبقه کارگر از کانال نقد بی امان و ضد کاپیتالیستی به وجوه مختلف جامعه بورژوازی، دخالت جدی در مبارزه اقتصادی طبقه کارگر به عنوان جریانی کمونیستی، تلاش برای ایجاد صفی متحد و روشن از رهبران عملی و سوسیالیست کارگری، یکی از مسائل جدی حزب حکمتیست باید باشد. حزب باید به پایه اجتماعی خود چفت شود. رهبری حزب باید معنی عملی و پراتیکی این جهت را روشن و قدم به قدم در دستور حزب بگذارد. همزمان تقویت جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه، تبدیل آن به چتر عمومی ترو فراگیرتر در میان مردم محروم امری مهم و جدی دیگری است که در دستور رهبری حزب قرار میگیرد. حزب باید ماشین حزبی خود و سازمان حزب را برای پیشبرد این جهت ها آماده کند. بدون داشتن یک ماشین حزبی قوی و منضبط انجام چنین وظایف سنگینی قطعاً ممکن نیست. حزب حکمتیست موقعیت خوبی در جامعه دارد، به حزبی محبوب تبدیل شده است، صفی از کمونیستها در این حزب جمع شده

موقعیتی بود که روزانه با مسائل تشکیلات داخل طرف بود. اتفاقات در جامعه، پیشروی و عقب نشینی کارگر و کمونیسم در جامعه، عقب نشینی و پیشروی جنبش آزادی و برابری در ایران، در صوف حزب منعکس میشود و خود را به کل جریان ما هم تحمیل کرده است. لذا جواب به آنها و تعیین راه و چاه برای آن، به بخشی از فعل و انفعال حزب و رهبری آن تبدیل شده است. کنگره تلاش کرد به این مسائل جواب دهد و کل حزب را حول آن متحد کند و کل انرژی و امکانات حزب را در یک جهت به کار اندازد.

پرتو: به نظر شما در راستای مباحث کنگره سوم حزب، رهبری حزب چه اولویتهایی را باید در دستور بگذارد؟

خالد حاج محمدی:

تا جایی که به کنگره حزب بر گردد، کنگره تاکیدات خود را روشن کرد. این دیگر کار رهبری بعد از کنگره حزب است که بر مبنای تاکیدات کنگره اولویتهای حزب و تشکیلاتهای مختلف خود را روشن و در دستور کل حزب بگذارد. حزب ما تا کنون خط متمایزی را در میان جریانات مختلفی که به خود کمونیسم میگویند یا در این کاتاکوری گذاشته شده اند، پیش برده است. یکی از مباحث جدی کنگره ارزیابی از موقعیت عمومی این کمونیسم و جایگاه خود ما در آن بود. در این مبحث به ضد رژیم گرایی حاکم در میان این طیف که خود را کمونیسم می نامند، به

کنگره سوم، میدان اصلی جدال جمهوری اسلامی و صفی از مخالفان کمونیسم و انقلابیگری کارگری، با این جنبش بود. حزب حکمتیست تنها حزب سیاسی اپوزیسیون بود که ضربان قلبش با این جنبش زد و در همین جدالهای یک پای اصلی بود. دوره اخیر برای ما دوره ای است که حزب حکمتیست به بستر اصلی کمونیسم ایران تبدیل شده. این کنگره انرژی خود را از این جنبش و نقش و جایگاه آن میگرفت و این فرق اساسی بود که کنگره سوم حزب با کنگره های قبلی داشت.

پرتو: کنگره چقدر توانست مسائل و مشغله های تشکیلات حزب در داخل را منعکس کند و تا چه اندازه توانست به این مسائل جواب دهد؟

خالد حاج محمدی:

فکر کنم در دل توضیحات تا کنونی به این سوال هم عملاً جواب داده باشم. این کنگره به نسبت همه کنگره های دیگر حزب بیشتر به این امر معطوف بود. راستش را بخواهید این امر نه الزاماً به این دلیل که گویا قبلاً تشکیلات حزب در ایران کمتر مورد توجه بوده و گویا اکنون اهمیت آن برای رهبری حزب عیان شده باشد. بلکه تحولات یکی دو سال اخیر در جامعه ایران، جنگ و جدالهایی که در این مدت علیه کمونیستها در جامعه در جریان بود، موقعیت حزب و جایگاهی که پیدا کرده است، این مشغله و مسائل و سوالات را روی میز رهبری حزب قرار داده است. حزب در

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

پیام کنگره سوم حزب حکمتیست به کادرها، اعضا و فعالین حزب در ایران

رفقای عزیز!

از طرف کنگره سوم حزب حکمتیست به تک تک شما عزیزان درود می فرستیم. جای همگی شما رفقای گرامی در کنگره خالی بود و این را همگی اذعان داشتیم. بی هیچ تردیدی اگر فضایی پلیسی و حاکمیت یک حکومت جنایتکار نبود، صندلیهای کنگره سوم حزب را اضافه بر نمایندگانی که شرکت داشتند، صدها کمونیست و فعال جدي و رهبر و نماینده از شهرهای مختلف ایران اشغال می کردند.

با تمام اینها کنگره سوم حزب بیش از هر کنگره و تجمع حزبی دیگری رنگ حضور شما را بر خود داشت. فعالیت و تلاشهای شما کمونیستهای جامعه ایران، شما

فعالین مبارزه برای رهایی انسان، شما پرچمداران انقلاب کارگری، مشغله ها و نتایج کار و تلاش مشترکمان بر فضایی کنگره غالب بود. یکسال و نیم گذشته، از زمان کنگره دوم حزب تا کنون، کل جامعه، مردم و طبقه کارگر شاهد برافراشته شدن پرچمی متفاوت بودند. پرچمی که برای اولین بار بعد از سرکوب و کشتارهای دهه ۶۰ نه تنها انسانیت و آزادیخواهی و کمونیسم را نمایندگی می کند، بلکه وسیعترین حمایت های اقشار مختلف جامعه را هم با خود دارد. کمونیسم یکبار دیگر نشان داد که تنها مدعی انسانیت و رهایی جامعه است. این صرفا با اتکا به تلاش های شبانه روزی شما، با اتکا به جسارتتان، کاردانی تان، روشن بینی و کمونیسم تان و با اتکا به یک حزب سیاسی

کمونیستی ممکن شد. حزب حکمتیست امروز پرچمدار کمونیسم و چپ در ایران است و این را شما ممکن کردید.

یکسال و نیم گذشته در عین حال شاهد حمله وحشیانه رژیم اسلامی به آزادیخواهی و انسانیت و کمونیسم طبقه کارگر در ایران هم بودیم. فشاری که فعالین سیاسی، رهبران کارگری و کمونیست ها طی این مدت از طرف دستگاه های امنیتی رژیم اسلامی متحمل شده اند را با هیچ کلامی نمیتوان بیان کرد. این فشار همین امروز هم در جریان است. علیرغم همه این توحش اسلامی کمونیست ها نشان دادند که آمده اند تا در دفاع از انسانیت و برای تامین یک زندگی شایسته انسان بجنگند و پیروز شوند، نشان دادند که پرچم

انسانیت و رهایی بشر را دیگر نمیتوان با هیچ فشار و شکنجه و زندانی به زیر کشید.

کمونیست ها باید آینده را به نفع انسانیت و آزادی در ایران رقم بزنند. این به اعتبار وجود صف وسیع کمونیست ها در حزب ما ممکن است. جواب توحش و زندان و شکنجه مرتجعان رژیم بورژوا اسلامی را با سرود پیروزی انسانیت بر ویرانه های ارتجاع اسلامی خواهیم داد.

دست تک تک شما را میفشاریم و برایتان درود میفرستیم

دفتر سیاسی حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست
۲۳ اسفند ۱۳۸۷ - ۱۳ مارس
۲۰۰۸

مصاحبه پرتو با تعدادی از نمایندگان کنگره سوم

ژیل آوانسیان :

از نظر من نفس حضور سه نسل از کمونیستهای پرشور و دخیل در مبارزه آنها در موقعیت حساس کنونی، قابل ملاحظه بود.

جایگاه ویژه هریک از این سه نسل در مبارزه با رژیم اسلامی سرمایه، انتقال تجارب سی سال از یک طرف و نشاط و ابتکار عمل پرشور از جهت دیگر نمایان بود.

کنگره کاملاً ماکزیمالیست بود و به کم راضی نشد. قد علم کردن نسل جوان کمونیست در درون حزب نشانه پویایی حزب و امیدواری به آینده ای بهتر است.

در پایان باید بگویم وقت برای کلیه مباحث مربوطه کافی نبود.

یاسین حسینی :

صحنه های سیاست در ایران به شدت در حال عوض شدن است، جامعه ایران در حال تلاطم به سر می برد. طبقه کارگر و مردم ستمکش همچنانکه از قرائن پیدا بود به دنبال بروز بحرانهای

ادواری بیسابقه جهانی وانتقال و تا ثیر شدید این بحران بر سرمایه داری ایران، زیر ضرب فشار و سرکوب شدید دولت سرمایه در ایران قرار گرفته اند، بطوریکه تا همین الان تورم و گرانی بصورت تصاعدی بالا رفته است. تعیین حداقل دستمزد سال جاری تعرض مستقیم به سطح معیشت

ناچیز کارگران و تحمیل فقر

، فلاکت و مرگ تدریجی به این طبقه است. سرکوب و خفقان شدید، حمله به تشکلهای مستقل کارگری، دستگیری وزندانی کردن رهبران و فعالین کارگری و همچنین اخراج و بیکارسازی کارگران به امر هر روزه سرمایه داری اسلامی تبدیل شده است. به تمام این مولفه ها و مولفه های دیگر تحمیل قوانین متعفن وضد انسانی اسلامی را ضرب نمایند تا مشاهده نمایید ارمان جمهوری اسلامی برای سودآوری سرمایه به قیمت تحمیل چه زندگی جهنمی برای کارگران و مردم ستمکش بوده است. ادامه و تحمل این وضعیت، دیگر غیرممکن شده و امکان اعتراضات

خودجوش و اجتماعی قوی شده است. صحبت بر سر شورش گرسنگان در میان است، بحث سرنگونی و امکان یک تغییر و تحول انقلابی، دوباره به صدر معادلات سیاسی در جامعه آمده است. برای همین شخصاً فکر می کنم اگر بخواهیم ارزیابی واقعی از کنگره سوم حزب حکمتیست و مباحث داشته باشیم بدون شک باید این کنگره را در بطن این تغییر و تحولات و شرایط جدید در سطح ایران و جهان قرار بدهیم. با این اوصاف این کنگره از چند لحاظ کنگره مهمی بود یکی اینکه از طرف حزبی اقدام به برگذاری این کنگره می شد که نماد کمونیسم و مارکسیسم و آزادیخواهی ماکزیمالیستی در

اساسی سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است



→ جامعه است و نسبت به تغییر و تحولات و مسائل موجود در جامعه به شدت حساس بوده و با متدلوژی مارکسیستی، حکمتیستی این اوضاع و احوال را تحلیل و مورد بررسی قرار داده و از این طریق سیاستها و تاکتیکهایش را انتخاب نموده و موضوعیت خودش را نسبت به جامعه به روز و آبدیت می نماید. این یکی از خصیصه های مهمی است که باعث شده حزب حکمتیست به جریانی جدی و تاثیرگذار در جامعه تبدیل شود. دوم اینکه در طول کنگره سوم مباحث مهمی چون اوضاع سیاسی ایران و موقعیت جنبش کمونیستی، موقعیت جنبش کارگری و همچنین موقعیت حزب در ایران و کردستان و اولویتهایش و مسائل مهم دیگری مورد بحث و تبادل نظر حاضرین در کنگره

قرار گرفت که نتایج مهم و جدی از این مباحث استنتاج شد که در صورت عملی شدن هر کدام از این سیاستها موقعیت و توازن قوا به نفع کارگر و زحمتکش به شدت عوض خواهد شد. سوم بحث جنبش کارگری که به پرشورترین مبحث کنگره هم تبدیل شد اهمیت و ویژه گی خاصی به این

کنگره داد. بطوریکه تاکید بر دخالت موثر و جدی تر در جنبش کارگری از طریق سازماندهی و تقویت سنت سوسیالیستی درون این جنبش، کارگران را به آن اهرم و ابزار واقعیشان مسلح می نماید.

بدون شک طبقه کارگر تنها از طریق این سنت و اهرم است که هم می تواند به مطالبات اقتصادی و صنفی برسد و هم در کشمکش بر سر قدرت سیاسی با توازن قوای بهتری شرکت نماید.

اما بعنوان صحبت آخر، در صورتی این کنگره به آن ویژه گی و اهمیت واقعیش دست می

یابد که بتواند نتایج سیاسی این کنگره را در جامعه و میان طبقه کارگر به عمل واقعی و روزمره کارگران و مردم معترض تبدیل نماید، و این مهم بدون دخالت موثر و تتگاتنگ فعالین و رهبران کارگری و سوسیالیست و همچنین کادرهای داخل و خارج این حزب امکانپذیر نخواهد شد. و این مسئله ای است که روی دست تک تک ما و شما سنگینی می نماید.

سعید آرمغان:

اگر بسیار موجز بیان کنم شاخص ارزیابی من از موفقیت رهبری منتخب کنگره سوم پاسخگویی به مسائلی است که در ابعاد سیاسی- اجتماعی و سازمانی در این کنگره به آن پرداخته شد. از نظر من اهم آنان به این عبارتند

اولین اولویتی که باید رهبری حزب به آن بپردازد تضمین پاسخگویی به مسائل گریه پیش روی رهبران عملی طبقه کارگر بمنظور ایجاد تحرکی جدی و متمایز در سازمانیابی و مبارزات جاری طبقه کارگر در

ایران میباشد. مباحثی که در روز دوم کنگره تحت عناوین "ارزیابی از وضعیت جنبش کمونیستی در ایران" و همچنین "طبقه کارگر و مبارزه اقتصادی در ایران" مفصلاً به ابعاد و جایگاه این دو موضوع و وظایف حزب حکمتیست در قبال آنان، پرداخته شد و مباحث غنی و با ارزشی از جانب سخنرانان و نمایندگان کنگره ارائه شد که بنظرم با تدقیق و پراتیک آنها و تعریف فونکسیونهای ویژه موقعیت حزب ما را در میان طبقه کارگر و کمونیستهای جامعه ایران شتاب جدی میدهد.

تحرک و تثبیت هژمونی سیاسی بر جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و گسترش آن را در جنبش دانشجویی تضمین کنیم.

مسئله دیگری که از نظر من حائز اهمیت است. دخالتگری جدی در مبارزات زنان در ایران میباشد. حزب ما دارای برنامه ای شفاف در زمینه حقوق و مطالبات زنان میباشد و در عین حال از افراد جدی و صاحب نظر در زمینه حقوق

زن، شیوه های مبارزه جویانه زنان و تقابلاتشان با رژیم اسلامی بعنوان رژیم آپارتاید جنسی کم نداریم. اما سازماندهی مناسب بمنظور انجام کار روتین و تضمین رهبری جنبش زنان در ابعاد مختلف (سیاسی، نظری و سازمانیابی)، به اندازه وزن و جایگاه اجتماعی و اهمیت این جنبش در تحولات سیاسی اجتماعی جامعه ایران به آن نیرو اختصاص داده نشده است، و سازمان درونی مناسبی علیرغم تلاشهای ضعیف برای آن در دستور نداشته و یا اگر هم داشته ایم بصورت جدی پای اجرای آن نرفته ایم. باید این را اذعان کنم که کمتر جریانی به اندازه ما شفاف و تیز جنبش یک میلیون امضا و بی ربطی آن و نا کار آمدی آن را برای فعالین مدافع حقوق زن و زنان ایران افشا نموده است، اما حاصل اینکار را در عدم وجود جدی سازمان ویژه مشخص نیست به جیب چه جریانی میرود و کدام جنبش رادیکال و تمامیت خواه مدافع

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

→ حقوق زنان را تقویت میکند. لذا با توجه مسائل فوق رهبری حزب لازم است به این نقص جدی پاسخ بدهد و موانع سازمانی و عملی آن را برطرف کند و کنگره بعدی بتوانیم شاخصی برای ارزیابی از جایگاه سیاسی خود ما در جنبش زنان در ایران را داشته باشیم که رضایت کنگره را جلب کند.

مسئله دیگر افشا و طرد تفکرات ناسیونالیستی در جامعه ایران است: ناسیونالیسم در جهان از پایه های مادی برخوردار است و دولتها همچون مذهب در خدمت تحکیم و تثبیت نظام نابرابر موجود از آن بهره میگیرند و بخشا طبقه کارگر و بخشهای دیگر جامعه نیز متاسفانه از آن مصون نمانده است.

بنظر من لازم است امر تبلیغ علیه ناسیونالیسم و ضدیت آن با انسانیت و منافع مشترک طبقه کارگر و اقشار تهیدست جامعه، به یک امر روتین در تبلیغات ما تبدیل شود.

در ایران شونیسیم فارس حاکم بر جریانات سلطنت طلب و پان ایرانیست و در بخشهای مختلف عکس العمل منفی و ارتجاعی به یمن احزاب و جریانات ارتجاعی که با ملیت تراشی سعی میکنند، سم ناسیونالیسم و ملت پرستی را در اقصی نقاط ایران دامن بزنند و به عاملی برای ضربه زدن به اتحاد طبقاتی و منافع مشترک بخش عظیمی از مردم کارگر و زحمتکش ایران برای ساقط

کردن نظام استثمارگرانه اسلامی سرمایه و برقراری نظام عاری از بی حقوقی، استثمار و تبعیض بر اساس ملیت، جنسیت و موقعیت اجتماعی انسانها و در نهایت لغو کار مزدی و بهره کشی انسان از انسان.

و در نهایت مدرنیزه کردن سازمان درونی حزب: مدرنیزه کردن سازمان درونی حزب و تعریف مکانیسم و فونکسیونهایی که بتوانند با صرف حد اقل انرژی بیشترین بازده را برای حزب داشته باشند. مدرنیزه کردن سازمان و تشکیلات مانع از هدر رفتن پتانسیل بالفعل و بالقوه ای خواهد شد که در اختیار حزب قرار دارد و یا در نتیجه فعالیتهای آتی در اختیار حزب قرار خواهد گرفت.

به این شیوه ما میتوانیم و باید به این نقص دیرینه فایق آییم. راه برگشتی وجود ندارد ۳۰ سال حاکمیت بلاهت و ارتجاع محض و استثمار شدید طبقه کارگر از جانب هارترین رژیم سرمایه داری معاصر و آپارتاید جنسی، بدون بمیدان آمدن جدی طبقه کارگر و بخش پیشرو و مارکسیست این جامعه و تدابیر جدی برای سازماندهی مناسب و استفاده از کلیت پتانسیل موجود، ممکن نیست.

بدون سازمان درست و خط روشن این امر هم اگر غیر ممکن نباشد به سهولت به انجام نخواهد رسید.

اسعد کوشا:

معتقدم الویت حزب در فاصله

امروز تا کنگره بعدی بقرار زیر میتواند باشد.

۱- تقویت سیاسی و معنوی جنبش کارگری در کلیت خود از یکسو و سازماندهی بخش سوسیالیستی این جنبش در کمیته های کمونیستی با در نظر گرفتن تمامی محدودیتهای موجود و با بکارگیری فنون تلفیق کار علنی و مخفی. اختصاص برنامه های تلویزیونی میتواند زمینه اجتماعی مساعدتری را برای فعالین محلی فراهم آورد.

۲- تقویت سیاسی و معنوی جنبشهای اجتماعی، همچون جنبش های دانشجویی و زنان در راستای هرچه توده گیر کردن مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه این جنبشها ۳- بررسی روانشناسی اجتماعی ایرانیان خارج کشور و نحوه بحرکت درآوردن این خیل عظیم و فارغ از پیگردپلیسی در راستای فشار آوردن به کشورهای اروپایی که با جمهوری اسلامی مراودات اقتصادی دارند، تا همپای این روابط بر مطالبات برحق مردم از قبیل حق برپائی تشکلات مستقل و آزادیهای بیان و اندیشه، لغو قوانین قصاص و اعدام پافشاری کنند.

آرش حسینی:

کنگره به نظر من از جنبه های مختلفی حائز اهمیت بود. داشتن یک ارزیابی صحیح از کنگره و نقش ضروری این حزب بستگی به درک اهمیت قاطع، عوامل ذهنی، و عملی

در جنبش کارگری دارد، با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی ایران و ضرورت سازماندهی طبقه کارگر برای تدارک مبارزاتشان بر علیه سرمایه داری، حزب حکمتیست باید در همین راستا دسترسی وسیع ی به رهبران و فعالین کارگری داشته باشد، و در حرکت دادن آنها و جلب کردنشان به سوی حزب باشد ولی متاسفانه این خلا بین حزب و جنبش طبقه کارگر پر نشده است که کنگره روی این جنبه از فعالیت حزب به درستی روی آن فکوس کرد.

در واقع اگر حزب بتواند رهبری جنبش کارگری را در مبارزات سیاسی و اقتصادی نمایندگی کند حزب هر چه بیشتر توده ای تر خواهد شد و نفوذ خودش را در قالب کمیته های کمونیستی محلات و کارخانه، گارد آزادی بست خواهد داد

کمونیسم مارکس و منصور حکمت به ما آموخته اند که تحقق یافتن مبارزات کارگری و تحزب سازمان های کمو نیستی، کمیته های کمونیستی مجامع عمومی، شورا، تنها از طریق عمل آگاهانه حزبی و جمعی طبقه کارگر امکان پذیر است و اگر حزب بتواند این ابزار را در دست طبقه کارگر بنهد در روند و سیر آتی مبارزات ایران نقش تبیین کننده و موثری خواهیم داشت

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب: A.J

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱

نام بانک: Barclays